

یادداشت

«وزارت آب و نیرو»

محمود اده
کارشناس ارشد حوزه آب و نیرو

● با استقرار دولت نهم، وزارتخانه تخصصی نیرو شاهد کوچ گروهی نیروهای غیرمتخصص به این وزارتخانه و تصدی مشاغل کلیدی و حساس؛ از سطح وزارت و معاونت‌ها تا سطوح مدیران ارشد و میانی صرفا با هدف دسترسی به امکانات رفاهی و معیشتی بود. برنامه‌های مدون و پروژه‌های مطالعه و تعریف‌شده کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت کنار گذاشته شدند و اجرای پروژه‌هایی بدون توجه فنی و اقتصادی در قالب مصوبات سفرهای استانی در دستور کار قرار گرفت. نیروهای زبده و متخصصی که در دوره سازندگی و اصلاحات تجاری ارزشمند کسب کردند در دهه سوم و پایانی خدمت در دولت می‌بایست ثمره این تجارب و تخصص را هم‌زمان با اجرای پروژه‌های بزرگ به نیروهای جوان‌تر منتقل می کردند، با توجه به فراهم‌نشدن فضای لازم این فرصت را نیافتند و با رسیدن به سن بازنشستگی در دولت‌های نهم، دهم و یازدهم از این وزارتخانه خارج شدند.

اظهارنظرهایی همچون توقف سدسازی، خرید آب از کشورهای هم‌جوار و استحصال آب از اعماق زمین در شرایطی که سالانه میلیاردها مترمکعب آب در بخش کشاورزی هدر می‌رود، نشانه‌هایی نگران‌کننده از فضای علمی و تخصصی حاکم بر این روزهای وزارتخانه است.

در سال‌های وفور درآمدهای نفتی، اجرای طرح‌های توسعه‌ای تولید برق با سرعت لازم پیش رفت و با وجود کاهش رشد مصرف برق در بخش صنعت به دلیل رکود در تولید، میزان مصرف از تولید پیشی گرفت. بهره‌برداری بی‌وقفه از تاسیساتی که با هزینه بسیار بالا در سالیان گذشته ایجاد شده بودند به دلیل عدم رسیدگی اصولی در شرایط نامناسبی قرار دارد. به تغییر سبک زندگی و الگوی مصرف انرژی خانوار توجه کافی نشد و طرح‌های جامع مصرف بهینه انرژی که ناظر بر بهره‌وری و کاهش مصرف از مرحله تولید و واردات لوازم خانگی و صنعتی بود و همچنین طرح‌های کاهش اتلاف انرژی در شبکه توزیع مورد اهتمام جدی قرار نگرفتند.

احداث تاسیسات مدیریت جامع منابع آب از قبیل سدهای بزرگ در حوزه آب‌های مرزی و ایجاد شبکه‌های آبیاری به کندی پیش رفت. در انفعال کامل بخش آب وزارتخانه و پافشاری بر اجرای طرح‌های ناکارآمد حفاظت آب‌های زیرزمینی همچون طرح تعادل‌بخشی منابع آب، کشاورزی از منابع آب زیرزمینی کشور را به سمت آسیب‌ها برده و سرزمین را در مسیر غیرقابل سکونت‌شدن قرار داده است.

پروژه‌های پراهمیت بازچرخانی آب و استفاده از آب‌های خاکستری شامل ایجاد شبکه‌های جمع‌آوری و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب با هدف تأمین آب صنایع برمصرف به‌ویژه در کلان‌شهرها ازسرعت لازم برخوردار نیستند. در این شرایط راه‌حل‌های ارائه‌شده از سوی وزارتخانه، حداکثر فشار بر مردم با افزایش تعرفه‌های آب و برق و تبلیغات سطحی رسانه‌ای بوده است. متأسفانه در دولت یازدهم کم‌کاران وزارتخانه از سوی منصوبان دولت‌های نهم و دهم به همین منوال اداره شده و در عمل از تدبیر و امید و از فرصت‌های بزرگ پساپیرجام برای جذب سرمایه‌گذاری و فناوری‌های روز بهره لازم برده نشد.

در دولت دوازدهم وزیر جدید نیرو با آواربرداری از مشکلات موجود و با تجدید ساختار و قوا، وزارتخانه تخصصی، کارآمد، چابک و هوشمند «آب و نیرو» را بنیان خواهد نهاد و برای مشکلات و چالش‌ها پیش از بروز و ظهور چاره و تدبیر خواهد کرد.

خبر

توفان در ۴ شهرستان سیستان وبلوچستان

● **ایلنا:** رئیس سازمان امداد و نجات از سیل و آب‌گرفتگی در پنج استان کشور خبر داد.

مرتضی سلیمی از سیل و آب‌گرفتگی در پنج استان کشور خبر داد و گفت: استان‌های آذربایجان‌غربی، البرز، خراسان‌رضوی، سیستان وبلوچستان و هرمزگان به ۷۲ ساعت گذشته، متاثر از سیل و آب‌گرفتگی شده و به بیش از ۳۳۰ نفر امدادرسانی شده است. سلیمی همچنین از انتقال ۲۵ نفر در روستای ساوجبلاغ و برغان به مناطق امن خبر داد و افزود: یک نفر در روستای ساوجبلاغ به دلیل وقوع سيل، مفقود شده که نیروهای امدادی درحال‌حاضر برای یافتن این فرد مشغول فعالیت هستند. رئیس سازمان امداد و نجات با بیان این‌ مطلب که چهار شهرستان زابل، هیرمند، هامون و زکد در سیستان وبلوچستان دچار توفان شده‌اند، گفت: در این مناطق به ۴۱ شهر و روستا امدادرسانی شده است و بیش از ۱۴ هزار ماسک و تعداد زیادی بسته غذایی میان حادثه‌دیدگان توزیع شده است.

ادامه از صفحه اول

ایسن موضوع دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. بسیاری از دلایل فقط با حضور در محل بروز حادثه قابل فهم است. ولی ما به عنوان کسانی که از دور نگاه می‌کنیم به دلایلی مانند کوچک بودن این شهر و پخش‌شدن سریع اخبار در این شهر، و همچنین مدت‌زمان طولانی گم‌شدن آتا و درگیرشدن شهر برای پیداشدن این کودک می‌رسیم. یعنی فشاری که به جمع آمد، باعث واکنش شدید نهایی آنها شد. منتها آن چیزی که در این اتفاقات برای ما ثابت می‌شود، گاهی قانون کاملا به حاشیه می‌رود و مردم منتظر تصمیم قانون نمی‌شوند و خود واکنش‌هایی نشان می‌دهند که نوعی جرم و نقض حریم افراد است. مثلا تحت‌فشار قرار دادن ساکنین خانه قاتل که احتمال روحشان هم از این جنایت خبر نداشته است، یعنی منتظر تصمیم قانون نمی‌شویم. به‌دلیل اینکه همین تخریب و تحت‌فشار قرار دادن کسانی که شاید روحشان هم از این جنایت خبر ندارد، نوعی جرم و نقض حریم آن افراد است.» او افزود: «به هر حال قاتل دستگیر شده ولی اینکه ما خانواده از همه جا بی خبر او را تحت‌فشار قرار می‌دهیم، نشان‌دهنده این است که ما سریعاً تحت کنترل هیجانات و احساسات جمعی قرار می‌گیریم. احساساتی می‌شویم و چنین واکنشی نشان می‌دهیم و در موارد مشابه اگر قفلکلک نشویم، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهیم. آیا عده‌ای به‌دلیل خشم و عصبانیت ناشی از این اتفاق دست به این حرکات زده‌اند و عده‌ای دیگر صرفاً هم‌نواي ماجرا بوده‌اند؟ اگر ما در همه مسائل اغرت و تعصب به خرج می‌دادیم به عقیده من می‌توانستیم بگوییم این ویژگی ما است که نمی‌خواهیم خلاف قانون در کشورمان اتفاق بیفتد، ولی یک وقت‌هایی بی‌خیال هستیم و جای دیگری از شدت هیجان افراد بی‌کناه در یک ماجرا را هم تحت‌فشار قرار می‌دهیم که نشان می‌دهد بیشتر ما چرا به تخلیه خشم بازمی‌گرد.» این جامعه‌شناس مطرح می‌کند: «اما در پارس آباد مغان این خشم سر چه کسانی خالی شد؟ افرادی که خود قربانی خشونت هستند و ما حریم

آنها را هم نقض می‌کنیم. درحال‌حاضر شرایط جامعه به‌گونه‌ای است که قلب همه جریهدار به نظر می‌رسد و حتی رئیس مجلس نیز نسبت به اتفاق واکنش نشان می‌دهد. ایسن واکنش‌ها به دلیل فروکش‌کردن خشم عموم مردم است. در این شرایط می‌خواهند یکدیگر را ساکت کنند. اما به نظر می‌رسد در شرایط مشابه ما نیاز به افرادی داریم که بتوانند جمع را روان‌شناسی کنند. چرا که این واکنش‌ها را نه جامعه‌شناسی و نه روان‌شناسی فردی درمان نیست.»

اتفاقات مشابه از قبح جنایت کم نمی‌کند

در روزهای اخیر همچنان شنیده‌ایم که مانند این اتفاقات در همه جای جهان می‌افتد. اما آیا وجود اتفاقات مشابه می‌تواند درمانی برای این درد باشد؟ این سؤال را از سونیا غفاری نیز پرسیدیم و تصریح کرد: «مسئله بروز جنایات مشابه در جهان، چیزی از قبح و زشتی داستان کم نمی‌کند، یعنی هرچا که این اتفاقات می‌افتد، نوع آسیب به‌گونه‌ای است که همگان را درگیر می‌کند، منتها باید ببینیم کجا توانستند این واقعه را کنترل کنند یا کاهش بدهند. جامعه هیچ‌گاه بری از جرم نخواهد بود. این اتفاقی نیست که حتی در ایده‌آل‌ترین کشورها بیفتد، ولی توانسته‌اند کارهای پیشگیرانه را جلو ببرند. ما هم قطعاً موفق به حذف نخواهیم بود، ولی می‌توانیم کارهای پیشگیرانه انجام دهیم. جای آموزش در کشور ما بسیار خالی است و مدت‌هاست که درباره‌اش بحث می‌کنیم، ولی قطعاً با آموزش دادن هم نمی‌توانیم انتظار به صفر رسیدن این فجایع را داشته باشیم. چون این دید غیرمنطقی است، توح حتی اگر به بچه آموزش بدهی و قوانین پیشگیرانه داشته باشی، باز هم این اتفاق به صورت‌های مختلف می‌تواند بیفتد. ما هنوز نمی‌دانیم آتا چگونه در چنگ این فرد اسیر شده است. شاید با زور و خشونت این اتفاق افتاده است و در این شرایط آموزش هم کمک چندانی به قربانی نمی‌کند. همچنین توری مقصر جلوه‌ادن قربانی نیز مدت‌هاست منسوخ شده، اینکه کودک حجاب نداشته نمی‌تواند دلیلی برای تشدید بیماری‌های روحی افراد باشد. از

جامعه

بررسی واکنش های هیجانی به ماجرای قتل آتا

خانواده قاتل آتا، تاوان جرم پدر را پس می‌دهند

طرفی حتی پسران ما هم در معرض خطر هستند بنابراین علت‌بودن نبود حجاب، آن‌هم برای کودکی در این سن فرضیه معقولی نیست.»

خانواده قاتل را فراموش نکنیم

همچنین دکتر شیوا دولت‌آبادی، روان‌شناس، در گفت‌وگو با «شرق» تصریح کرد: «اینکه ما اصولا در برابر اخباری که هیجان‌برانگیز هستند، زیاد هیجان‌زده می‌شویم تا حدودی غیرقابل‌کنترل است. به‌هرحال یک تیری به ما اصابت می‌کند و ما همدلی می‌کنیم و دلمان می‌خواهد سهم خودمان را برای کاهش این درد مشترک و هرچیزی که قضیه را آرام کند، انجام دهیم. ما حتی در مسائل تلخ دیگری مثل حادثه پلاسکو، هم همه جمع می‌شویم و هم تماشاجی هستیم، هم مزاحم هستیم و هم دلمان می‌خواهد در صحنه باشیم. اینها چیزهایی است که شاید به خصوصیات ملی ما بازمی‌گردد و در همه‌جای دنیا به این‌صورت دیده نمی‌شود. اما در فجایعی مثل داستان تلخ آتا، مردم بدون درنظرگرفتن اینکه در خانه وی آدم‌های دیگری به غیر از خود مرد مجرم زندگی می‌کنند و حرمت آنها باید حفظ شود، بیش از حد خصومت نشان می‌دهند و فکر بچه‌ها و زنی را که در آن خانه ساکن هستند و هویت آنها در آنجا شکل گرفته نمی‌کنند.» وی افزود: «به‌هرحال این مرد تنها نبوده و صاحب خانواده و بچه‌هایی است که هویتشان به آن شهر گره زده شده. در هر صورت این واکنش‌ها زیاد از حد است و بهتر است آنها را کنترل کرد و افرادی که می‌توانند این حرکات اجتماعی را سرسامان بدهند نباید دست به حرمت‌شکنی دیگری بزنند که این وسط نقشی نداشته‌اند. از طرف دیگر در این ماجرای تلخ، مسئله غفلتی را که والدین آتا یا به‌خاطر خوش‌خیالی یا دل‌مشغولی‌های زندگی داشته‌اند نباید فراموش کرد. صرف اینکه یک فرد اجازه می‌دهد از فضای محل کارش استفاده شود یا همسایه نباشد، نیست. می‌شود آن را دال بر شناخت کامل والدین از نیت آنها دانست. به‌هرحال همه اینها با هم جمع شده و یک ماجرای تلخ را رقم زده است.» وی افزود:«البته

در نخستین نشست «آسیب‌شناسی ازدواج کودکان» بررسی شد:

مرگ کودک مادران در زایمان پنج برابر بیشتر از بزرگ‌سالان



نشست بود. او که حدود دو سال به پژوهش در حوزه ازدواج کودکان پرداخته است و به‌تازگی نیز مجموعه پژوهش‌های خود در این باب را در کتابی با عنوان «طنین سکوت» منتشر کرده، بر این باور است که وجود سنت‌ها را می‌توان خوب ارزیابی کرد و این وظیفه مردم است که در حفظ آنها کوشا باشند؛ اما باید توجه کرد که برخی از سنت‌ها مانند ازدواج کودکان که گاهی با نوجوهانی نیز همراه است، سنت‌های آسیب‌زا به شمار می‌روند. احمدی با استناد به آمارهای رسمی خراسان‌رضوی را دارای رتبه نخست ازدواج کودکان برشمرد و تصریح کرد: «با توجه به آمارهای موجود ۱۳۰۷ درصد ازدواج‌های مناطق شهری و ۱۹۰۶ درصد ازدواج‌های مناطق روستایی در کمتر از ۱۸سالگی انجام می‌شود که اگر این آمار را به نسبت دختران و پسران نسل جوان ایران در نظر بگیریم، بخش درخور توجهی را شامل می‌شود. در سال ۹۴ مجموع ۲۸۷۰۰۷ دختر و پسر زیر ۱۸ سال ازدواج کرده و جالب‌تر آنکه در سال ۹۳ از ۳۰۵۲۷۰۸، ۵۱۹ سالگی ازدواج کرده بودند، نزدیک به ۳۷۲ نفر در همان سه‌ماهه اول طلاق گرفتند. شمار «کودک‌مادران» نیز در مقایسه با کودک‌پدران ۵۶۰ بار بیشتر است؛ البته نباید از یاد برد که پسرچهاره بسیاری نیز قربانی این سنت آسیب‌زا شده و باز زندگی را در سنین بسیار پایین به دوش می‌کشند و گرچه آسیب‌ها از لحاظ جنسی و روانی در پسرچهاره کمتر است؛ ولی فشارهای اجتماعی و عاطفی بیشتری نیز بر این قشر تحمیل می‌شود.

این پژوهشگر در ادامه به معرفی پدیده‌ای به نام خرد سن پرداخت و افزود: «در شهرستان‌ها به دلیل نظارت کمتر، افرادی هستند که از راه‌های مختلف رابطه و ضابطه سن را توجیه می‌کنند که سن این دختر کم‌سن‌وسال یک سن شرعی و قانونی است و این نشان می‌دهد که در برخی از شهرستان‌ها کوچک ازدواج کودکان کمتر از ۱۳ و حتی ۹ سال رایج‌تر و گزین‌حکم ازدواج از آن‌هاست.

احمدی در انتهای صحبت‌های خود تقویت فرصت‌های تحصیلی و اقتصادی برای دختران، غیرقانونی و جرم‌انگاری ازدواج‌های کودکان و ازدواج‌های اجباری، تعیین سن قانونی ازدواج، ضمانت وجود سیاست‌های اجرایی مناسب برای جلوگیری از ازدواج کودکان، درگیرکردن شخصیت‌های مذهبی برای ایجاد تغییر در پارادایم مذهبی و... را از مجموعه راهکارهای مبارزه با ازدواج کودکان برشمرد.

مصائب کودکی، ازدواج و بارداری

در انتهای نشست یک‌روزه «آسیب‌شناسی ازدواج کودکان»

بسیاری از فعالان اجتماعی کودکان در روزهای گذشته بیش از هر چیزی به آموزش بها می‌دهند که می‌تواند نقش مهمی را در ماجراهای این چنینی بازی کند. در این اتفاق دو طرف نقش مهمی را بازی می‌کنند؛ یکی قربانی و دیگری فرد متجاوز. هرکدامشان در جای خودشان هم باید دیده شوند. یک قربانی کوچک اگر اطلاعات کافی از نحوه حراست از خود و دفاع از بدن خود داشته باشد، ممکن است بتواند جلوی این پیشروی‌ها را تا حدودی بگیرد و از طرف دیگر متجاوز می‌تواند دچار بیماری روانی باشد و با خشونت عمل کرده باشد و در چنین شرایطی باز توجه خانواده آتا به فرزندشان و تهیانگذاشتن او از اصول مهم برای جلوگیری از این اتفاق بود.

این روان‌شناس تصریح کرد:«ما گاهی وقت‌ها خیلی عجولانه می‌خواهیم فرد خاطی را از میان برداریم، در صورتی که شاید داشتن اطلاعات از شخصیت وی بتواند به مجموعه دانش ما در پیشگیری کمک کند. البته تا جایی که اطلاعات به ما اجازه می‌دهد، ما می‌دانیم قاتل پرونده مجرمیت دیگری نیز داشته است و به‌هرحال اینها همان چیزهایی است که باید به آن توجه کرد. مجموعه این عوامل باعث ایجاد این اتفاق تلخ هستند و هیچ‌کدام به‌تنهایی نه علت و نه معلول هستند و مجموعه این اتفاقات در کنار هم جرم را پدید می‌آورد و درعین‌حال درس‌گرفتن از آنها، هم ضروری است و هم نباید تک‌بعدی باشد. در این میان روان‌گای جدی فرزندان و همسر این فرد نیز نباید فراموش شود.» دولت‌آبادی با اشاره به لزوم آموزش در سیستم آموزشی خاطرنشان کرد: «اینکه ما هر موضوعی را چگونه باید به یک کودک منتقل کنیم، به برکت دانش و شناسایی از رشد روان‌شناسی کودک می‌شود به آن رسید. نیاز هم به داده‌های خارجی نیست، ما در سال‌های گذشته در این ارتباط پژوهش‌های بسیاری را انجام داده‌ایم و می‌توانیم نسبت به آن درباره نحوه آموزش به کودکانمان بیش برویم. نباید آموزش را فراموش کرد. این حرکت می‌تواند جلو بسیاری از این فجایع را بگیرد.»

که به همت کانون زنان حقوق‌دان شورا در شهر مشهد برگزار شد، دکتر حوریه شمشی‌ری، جراح و متخصص زنان و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، به بررسی این آسیب اجتماعی از منظر پزشکی پرداخت. شمشی‌ری با اشاره به این مهم که موضوع نوجوان، ازدواج حاملگی یک موضوع کاملاً عینی است در نتیجه دیگر مصلحت نیست که هرکس برای خود تفسیری متفاوت داشته باشد، افزود: «امروزه در دنیا احتمال مرگ‌ومیر دخترانی که حامله می‌شوند چهار یا پنج‌برابر بیشتر از زانانی است که پس از ۲۰سالگی حاملگی را تجربه می‌کنند. نوجوانی مرحله گذار از کودکی به بزرگ‌سالی است، مرحله‌ای که هنوز اسکلت، استخوان بندی و لکن به درستی شکل نگرفته و تمام منابعی که برای حاملگی لازم است، تأمین نشده. وقتی در چنین وضعیتی کودکی وادار به زایمان می‌شود، فکر می‌کنم به‌نوعی جرمی به وقوع پیوسته است، چراکه فرد را به کام بیماری و ناسلامتی کشانده‌اند.» این متخصص زنان در ادامه صحبت‌های خود به این مهم اشاره می‌کند که قریب‌به یک‌سوم دخترانی که ازدواج زودرس دارند، در سال اول حامله می‌شوند، یعنی بدنی که هنوز به خوبی رشد نکرده و شکل نگرفته باید منیزیم، کلسیم و... خود را با جینی در رحم شریک شود و نتیجه‌اش این می‌شود که امروزه برخی از زنان ۴۰ یا ۵۰ سال به‌بالای ما دارای پاهایی پرنرزی هستند.

استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در ادامه صحبت‌های خود یادآور شد: «یک‌سوم این کودکان در سال اول حامله می‌شوند و با خطر چهار، پنج‌برابری مرگ زایمان می‌کنند و همچنین یک‌سوم اینهایی که زایمان کردند، سال بعد حامله می‌شوند؛ یعنی بر وضعیت سلامتی آنها خطر دیگری افزوده می‌شود. با حامله‌شدن کودکان احتمال مرگ جنین در رحم و زایمان زودتر از موعد زیاد است و به‌طورکل عوارض مایمالی دربارۀ حاملگی نوجوانان افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی این یک مسئله کاملاً عینی است. بعد ما می‌نشینیم و صحبت می‌کنیم که آیا ازدواج کودک یله یا نه؟! می‌گوییم بنا بر مصلحت ممکن است بشود ازدواج انجام شود، خب چه کسی این مصلحت را تأیید می‌کند؟» شمشی‌ری در انتها افزود در برخی موارد در زایمان‌هایی که این مادران کم‌سن‌وسال دارا بودند شاهد بروز آسیب در بخشی از بافت تناسلی سیستم که پیامد آن بی‌اختیاری ادرار و مدفوع و سرناتجام انزوا از جمع است. زخم‌های فراوان کانال زناشویی و زایمان، مرگ مادر، مرگ داخل‌رحمی نوزاد، وزن کم در زمان تولد و مشکلات نسل بعدی، عدم تطابق روحی، روانی، کم‌خونی، بی‌حوصلگی و افسردگی، وسواس، خودکشی و همسرکشی از دیگر پیامدهای ازدواج کودکان بود که مورد اشاره این متخصص زنان قرار گرفت.

اطلاعیه

نظر به اینکه خانمها زهره آقا رضایی و معصومه خدادادی با مشخصات ذیل مرتکب ترک خدمت و غیبت غیر موجه متوالی بیش از دو ماه در سال شده اند ، موضوع در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان مطرح و منجر به صدور رای گردیده است لذا با توجه به اینکه نشانی از محل اقامت نامبرده در دست نمی باشد به نامبرده ابلاغ میگردد جهت تعیین تکلیف از تاریخ نشر این آگهی حداکثر به مدت سی روز به آدرس : بندرعباس – انتهای بلوار شهید چمران –جنب استانداری سابق –ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی –اداره کارگزینی مراجعه نمایند .

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	شماره شناسنامه	شغل	محل خدمت
۱	زهره آقارضایی	محمد	۲۰۴۵	پرستار	شبکه بهداشت و درمان شهرستان میناب
۲	معصومه خدادادی	تارویردی	۲۷۰۸۳	کارشناس حشره‌شناسی و مبارزه با ناقلین	شبکه حاجی آباد

روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان



خبر

نصب درهای جداکننده ۱۱ ایستگاه شلوغ مترو

● **ایسنا:** مدیرعامل متروی تهران توضیحاتی درباره آخرین وضعیت درهای پی‌اس‌تی جداکننده ارائه کرد. هابیل درویش درباره سرانجام نصب درهای جداکننده در ایستگاه‌های مترو، با بیان اینکه به دلیل قیمت بالای درهای حائل و جداکننده تنها می‌توان در برخی ایستگاه‌های خاص این درها را نصب کرد؛ گفت: در ایستگاه‌های مترو این درهای حائل به دلایل مختلف نصب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در دوبی این درها برای جلوگیری از اتلاف انرژی نصب شده و کارکردهای دیگر هم دارند.اعضای شورای شهر مصوب کردند این درهای حائل به طور آزمایشی در خط فردگاه مهرآباد نصب شود که بر این اساس جلسات مشترکی با شرکت‌های تأمین‌کننده این درها برگزار کردیم. نصب درهای حائل با توجه به شرایط مالی فعلی، اقتصادی نیست؛ اما لازم است، بااین‌حال، مقرر شده در فاز اول در تعدادی از ایستگاه‌های شلوغ و پرازحام که حجم مسافران زیاد است، این درها نصب شوند .